

## The Comparison Rhetoric and Stylistic Study of Parto's Eqfta and Bahar

H. Yousefi<sup>1</sup>, A. Hasani Jalilian<sup>2</sup>

تطبیق بلاغی و سبک‌شناسانه اقتفای پرتو کرمانشاهی از بهار (قصاید «پراو»، «دیار آشنا»، «دماوندیه» و «سپیدرود»)

هادی یوسفی<sup>۱</sup>، عباس حسنی جلیلیان<sup>۲</sup>  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

### Abstract

Ali Ashraf Naobati, kermanshahi poet, penname to "Parto" and known as "Parto Kermanshahi", has a collection of poems called "Kooche Baghiha". Among the six odes in this collection two called "Paraw" and "Dyare ashna" are composed following "Damavandieh" and "Sepidrud" by Malek O Shoaraye Bahar. In this study, using "text stylistics methodology" provided in Cyrus Shamisa's general stylistics, comparison of the mentioned odes has been done in three verbal, literary and content levels. The exact investigation and comparison of the rate of criteria and elements in verbally and literary levels and the difference in the rate of these criteria in the above poems has shown that at least in the four mentioned odes, the language of Malek O Shoaraye Bahar is more like Khorasanian style and Parto's language is more like Iraqi style. Bahar's odes have proposed social, political and cultural contents and in Parto's odes social, patriotism and anti oppression contents are proposed. The research has shown that Parto has been successful in following Bahar and in some cases has been even better than him. Also in terms of rhetoric and imagery elements Bahar is in higher order for use the metaphor and simile, and in legal and leading Partao is vanguard.

**Keywords:** Comparison Rhetoric, Stylistics, Following.

### چکیده

علی اشرف نوبتی شاعر کرمانشاهی متخصص به «پرتو» و معروف به «پرتو کرمانشاهی»، صاحب مجموعه شعری به نام «کوچه‌باغی‌ها» است. از میان شش قصیده موجود در این مجموعه دو قصیده به نام‌های «پراو» و «دیار آشنا» را به اقتفای قصاید «دماوندیه» و «سپیدرود» بهار سروده است. در این پژوهش با استفاده از «روش سبک‌شناختی متون» ارائه شده در کلیات سبک‌شناسی سیروس شمیسا تطبیق سبک‌شناسانه قصاید یاد شده در سه سطح زبانی، ادبی و فکری انجام شده است. بررسی‌های دقیق و مقایسه میزان بسامد شاخصه‌ها و عناصر موجود در سطوح زبانی و ادبی و تشخیص تفاوت‌های آماری در شاخصه‌های بررسی شده در شعر هر دو شاعر نشان می‌دهد که در چهار قصیده یاد شده کلام بهار بسیار نزدیک به سبک خراسانی و کلام پرتو کرمانشاهی تا حد زیادی مطابق با سبک عراقی است. در سطح فکری نیز در دو قصیده بهار مضامین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیشتر مطرح است و در قصاید پرتو نیز مضامین اجتماعی، وطن‌پرستانه، ظلم و ریاست‌گری نمود دارد. در مورد میزان موفقیت پرتو در نظیره‌گویی، نتیجه حاصله حاکی از آن است که پرتو کرمانشاهی در حد قابل قبولی از عهده اقتفای از بهار برآمده است و در مواردی توانسته است توفیقی بیش از استاد متقدم خویش حاصل نماید. همچنین از نظر عناصر بلاغی و صورخیال بهار در کاربرد استعاره و تشبیه در مرتبه بالاتری قرار دارد و در مجاز و کنایه پرتو پیش‌تاز است.

**کلیدواژه‌ها:** تطبیق بلاغی، سبک‌شناسی، اقتفا، بهار، پرتو.

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature at Payame Noor University.
2. M.A. Persian Language and Literature.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول).  
Dr.h.yousefi80@gmail.com
۲. کارشناس ارشد ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش.

## مقدمه

نظیره‌گویی<sup>۱</sup> و اقتفا<sup>۲</sup> یکی از نشانه‌های گرایش به سبک و سیاق گذشتگان و شعرای سلف است. به‌رغم اینکه اکثر قصاید بهار ساخته و پرداخته طبع خود اوست و برخی به همین خاطر شعر او را به حق «واپسین تجلی یکی از ارجمندترین صورت‌های شعر فارسی» - یعنی قصیده<sup>۳</sup> - دانسته‌اند، (زرقانی، ۱۳۸۴: ۲۴۹) در برخی موارد به اقتفای قصاید شعرای پیشین از جمله رودکی، فرخی، جمال‌الدین عبدالرزاق، منوچهری و سنایی در وزن و قافیه روی آورده و به اصطلاح جواب گفته است. مثلاً قصیدهٔ معروف «جغد جنگ<sup>۴</sup>» وی در اقتفای قصیدهٔ منوچهری سروده شده است.

در میان شعرای کرد نیز علی‌اشرف نوبتی فرزند اسدالله معروف به «پرتو کرمانشاهی<sup>۵</sup>» و متخلص به «پرتو» متولد سال ۱۳۱۰ ش. نیز علاوه بر داشتن شیوهٔ خاص خود در غزل، از شاعرانی همچون سعدی<sup>۶</sup>، حافظ<sup>۷</sup>، مولانا<sup>۸</sup> و از میان شعرای معاصر، ملک‌الشعرا بهار، استقبال کرده است. در قالب قصیده جمعاً شش قصیده<sup>۹</sup> از وی در مجموعهٔ «کوچه باغی‌ها» در دست است و چنان که گفته شد از این تعداد دو قصیده «پراو<sup>۱۰</sup>» و «دیار آشنا<sup>۱۱</sup>» را به اقتفای قصاید «دماوندیه» و «سپید رود» بهار - که موضوع مورد بحث این نوشتار است - سروده است. بنابراین، پاسخ به این سؤالات که «شعر پرتو کرمانشاهی در قصیده‌های مورد بحث از نظر شاخصه‌های سبک‌شناسانه و بلاغی چه تفاوتی با شعر ملک‌الشعرا بهار دارد؟ و او تا چه اندازه در اقتفای از شعر بهار در ساحت‌های

شعرای ادب فارسی علاوه بر اینکه خود تلاش کرده‌اند تا در سرودن اشعار شیوه‌ای نو را تجربه کنند و به زیبایی هرچه تمام‌تر اشعار سروده شده را به مخاطبین خویش ارائه نمایند، در برخی موارد از روی علاقه و یا ناگزیر به نظیره-گویی اشعار شعرای سلف پرداخته‌اند، این موضوع در دورهٔ بازگشت ادبی بسیار پررنگ‌تر می‌شود آن هنگام که شعرا از سبک هندی و شیوهٔ آن روی برگردانده و سیاق گفتار شعرای سبک خراسانی و عراقی را بسیار زیباتر می-انگارند. استاد محمدتقی بهار ملقب به ملک-الشعرا و متخلص به بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۵)، شاعر، ادیب، محقق، مورخ، روزنامه‌نگار و سیاست‌مدار هم‌عصر حکومت‌های احمدشاه قاجار و رضاشاه پهلوی جزء آن دسته از شاعران و نویسندگان دورهٔ بازگشت است که مانند فرخی یزدی، قائمی، ایرج‌میرزا، ادیب‌الممالک فراهانی، دهخدا، ادیب پیشاوری، ادیب نیشابوری و... به پیروی از سبک عراقی و خراسانی روی می‌آورد. البته تأثیر سبک (عراقی - خراسانی) منحصر به دوره بازگشت و عصر مشروطه نیست و امروزه با وجود گسترش ادبیات معاصر و پیدایش تحوّل بزرگ شعر نو و سپید و قالب‌ها و انواع ادبی جدید باز هم شاعرانی ظهور می‌کنند که سخت علاقه‌مند به سبک‌های خراسانی، عراقی و بازگشت و انواع قالب‌های سنتی هستند، پرتو کرمانشاهی نیز از زمرهٔ این علاقه‌مندان است که به وضوح می‌توان مشخصه‌های سبکی آن دوره - ها را در اشعار او مشاهده کرد.

مختلف موفق عمل کرده است؟» موضوع مقاله پیش‌رو است.

### پیشینه تحقیق

گرچه در باب شعر ملک‌الشعرا به خصوص قصایدی چون «دماوندیه<sup>۱۲</sup>» یا «سپیدرود» پژوهش‌هایی صورت گرفته و از جمله آنها می‌توان به مواردی همانند مقاله «نقد و نگاهی به شعر دماوندیه اثر ملک‌الشعرا بهار از علی محمدی»، که در مجله فرهنگ اصفهان، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۲۱، صص ۷۲ تا ۷۷ به چاپ رسیده است. «پایگاه بهار در شعر و ادب فارسی از علیقلی محمودی بختیاری» در مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۱۷۵ و ۱۷۶، صص ۲۶۸-۲۸۵ و «دماوندیه، شهرآشوبی نوین از محمد حکیم-آذر» در شماره ۲۰ فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد اشاره کرد، اما در جست‌وجوهای به عمل آمده نوشته‌ای یافت نشد که اقتضای پرتو کرمانشاهی را از قصاید مذکور بهار، در باب شناخت شاخصه‌های سبک‌شناسانه، بلاغی و میزان توفیق او در اقتفا، مورد بررسی و تحلیل قرار داده باشد. این موضوع باعث ایجاد انگیزه در راستای انجام این تحقیق در قصاید مذکور هر دو شاعر گردید. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش تطبیق سبک-شناسانه و بلاغی اقتفاهای پرتو کرمانشاهی از ملک‌الشعرا بهار در قصاید یادشده و تحلیل

آنها در جهت شناخت سبک شعر هر کدام از آنهاست.

البته در هر مقایسه‌ای جایگاه شاعرانی که از کار آنها نظیره‌برداری می‌شود به دلیل فضل تقدّم، معلوم و مشخص است و در اینجا فضل تقدّم و پیشگامی از آن بهار است، با این توضیح که خود بهار نیز به گذشتگان و آثار آنان در سبک خراسانی و عراقی نظر داشته است.

### روش پژوهش

سبک‌شناسی روشی است علمی مبتنی بر آمار و ارقام برای شناخت و بررسی متون ادبی. «از دهه ۱۹۵۰ اصطلاح سبک‌شناسی (Stylistics) به شیوه‌های نقادانه‌ای اطلاق شده است که در صددند به جای شیوه‌های تحلیلی رایج ذهنیت-گرا و تأثرگرا، تحلیلی را به‌کار گیرند که به شیوه‌ای عینی یا عملی، سبک متون ادبی را تحلیل نماید». (ابرمز، ۱۳۸۴: ۳۶۸)

شیوه پژوهش این مقاله «روش بررسی سبک‌شناختی متون» است، که یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌ها برای اشراف بر اجزای متشکله متن و درک رابطه اجزای آن با یکدیگر، دقت در متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر می‌باشد، (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳) که با نام سه سطح زبانی (literally level)، سطح ادبی (literary level) و سطح فکری (philosophical level) مشخص و معین شده‌اند که در سطور بعد به شرح و بسط آنها پرداخته خواهد شد.

## تجزیه و تحلیل یافته‌ها

### ۱. سطح زبانی:

منظور از سطح زبانی، سطح آوایی و موسیقایی، اعم از موسیقی کناری (وزن و قافیه و ردیف) و موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی چون سجع، جناس، انواع تکرار مانند هم‌حروفی، هم‌صدایی و ...)، لغوی و نحوی می‌باشد.

### ۱-۱. آوایی

۱-۱-۱. موسیقی بیرونی و کناری (وزن، قافیه و ردیف)

از نظر موسیقی بیرونی و کناری یعنی وزن و قافیه، پرتو به طور کامل از بهار پیروی کرده است با این تفاوت که دو قصیدهٔ بهار با ۷۳ بیت در مجموع ۱۰ بیت بیشتر از قصاید پرتو دارد که در ۶۳ بیت سروده شده است.<sup>۱۳</sup>

قصیدهٔ دیار آشنای پرتو (نظیرهٔ سپیدرود) در بحر (مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف) یعنی وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» و با هدف ایجاد حسن نوستالژیک در فرزند دور از وطن خود و تحریک او برای بازگشت به وطن<sup>۱۴</sup> سروده شده است.

محتوا و مضامین در قصیدهٔ هر دو شاعر، با موسیقی کلام و وزن و قافیه‌های استفاده شده همخوانی و انسجام کامل دارد و ریتم و آوای قافیه‌ها و واژگان و ترتیب آنها در کلیت شعر با فضای قصیده متناسب است و همین امر موجب صلابت و فخامت زبان هر دو شاعر و نیز انسجام در بافت عمودی کلام در تمام قصیده شده است.

قصیدهٔ دیگر پرتو «پراو» نام دارد در بحر (هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف) و بر وزن «مفعول مفاعلن فعولن» است و هم از نظر موسیقی کاملاً مطابق وزن و قافیهٔ دماوندیه و هم از نظر تم و موضوع خطاب به کوه سروده شده است. در بین قصاید بهار، قصیدهٔ دماوندیه از شهرت خاصی برخوردار است و بهار مضامین موجود در این قصیده را با لفظ عالی و تصاویر بدیع به نظم کشیده و با استفاده از واژه‌گزینی مناسب باعث انسجام بیشتر کلام شده و یک فضای وزمی و حماسی در آن ایجاد کرده است که کاملاً با قصیده و وزن آن متناسب است. مثلاً واژگان: سر، میان، کله‌خود، کمر بند و آهن در این بیت:

از سیم به سر یکی کله‌خود  
ز آهن به میان یکی کمر بند

(بهار، ۱۳۸۷: ۲۸۶)

اما قصیدهٔ «پراو» با توصیف آغاز شده، ادامه یافته و در پایان با مدح خاتمه یافته است. گزینش واژه‌ها و ترکیبات، اشراف بر مضامین و لحن ادای آنها، واقعیت‌های مطلق در کنار توصیف‌های توأم با مباحات و مفاخره و فضای توصیفی ایجاد شده در قصیده، همگی با وزن مورد استفاده تناسب و همخوانی دارد. پرتو هم تمام موارد را به جز فضای حماسی - که از آن دور شده است - در کلامی منسجم به کار گرفته است:

یاد آن که شباب بود و ما را  
شوری به سر و دل آرزومند  
وه زانکه زدی عروس ماهت

## در حجله برف‌ها شکرخند

(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

## ۱-۲-۱. موسیقی درونی (بدیع لفظی)

## ۱-۲-۱-۱. سجع

در دو قصیده بهار ۱۵ مورد سجع (۲۰/۵۴٪) استفاده شده از قبیل: مشت، درشت/ صرصر، شرر/ شاهی، ساری/ بدان، رسان... و در دو قصیده پرتو ۱۱ مورد (۱۷/۴۶٪) از قبیل: کشته، پشته/ دهقان، توان/ آهنگ، چنگ... استفاده شده است. استفاده بهار از سجع‌ها با توجه به وزن قصیده و فضای تحکم‌آمیزی که ایجاد نموده، سخته‌تر و حماسی‌تر از سجع‌های مورد استفاده پرتو است.

## ۱-۲-۱-۱. جناس

در ۷۳ بیت بهار (مجموع بیت‌های هر دو قصیده) ۶ مورد انواع جناس به کار رفته (۸/۲۱٪) و در ۶۳ بیت هر دو قصیده پرتو نیز ۶ مورد انواع جناس مورد استفاده قرار گرفته است (۹/۵۲٪). چنانچه مشاهده شد استفاده از جناس در شعر پرتو نسبت به ابیات بیشتر از جناس در شعر بهار است اما هر دو در به‌کارگیری جناس‌ها، از جناس‌های دارای ارزش ادبی قابل ملاحظه‌ای استفاده کرده‌اند:

بهار: کفر، کافر/ بن، بنا/ آزاد، آزاده/ شاخ،

شاخه. جناس تام: بند، بند/ رود، رود.

پرتو: نام، نامه/ ستود، ستوده/ زند، پازند/

روی، ری/ کشته، پشته/ جام، جم.

## ۱-۲-۱-۳. واج آرای

در دو قصیده بهار ۷۷ مورد (۱۰۵٪) و در دو قصیده پرتو ۷۲ مورد (۱۱۴٪) واج‌آرایی به کار رفته است. نمونه‌ای از هر کدام:

بهار: تکرار صامت «ز» در مصرع دوم بیت:

بنگر یکی به منظر چالوس کز جمال

صد ره به زیب و زینت مازندران فزود

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۰۷)

پرتو: تکرار صامت «س» و تا حدودی «ز»

در بیت:

گر سروری به سرکشی و سرفرازی است

این کوه وا سزد که فرازی است بی فرود

(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۶)

با آنکه پرتو کمی بیشتر از بهار با استفاده از

صنعت واج‌آرایی بر موسیقی درونی کلام افزوده

است، اما بهار بیشتر از صامت‌های انسدادی بهره

برده است که با سبک حماسی و خراسانی

همخوانی دارد مانند تکرار واج (ب، پ، د، ت،

گ) در بیت اول دماوندیه.

## ۱-۲-۱-۴. تکرار واژه

بهار در ۷۳ بیت ۵۱ واژه را اعم از صفت، اسم،

ضمیر، ۱۴۷ بار (۲۰۰٪) استفاده کرده است

معادل ۲ بار تکرار در هر بیت اما پرتو در ۶۳

بیت ۲۱ واژه را ۱۰۱ بار تکرار کرده است

(۱۶۰٪) معادل ۳ بار تکرار در هر ۲ بیت. با این

توضیح که در شعر هر دو شاعر حروف به

حساب نیامده است. تمام تکرارها در شعر بهار

برای تأکید به کار رفته و زیبایی خاصی به جنبه



معنایی و مضمون شکوائیهٔ توأم با پرخاش به ظلم و جور و ... در قصیده بخشیده است.

#### ۱-۲-۵. تکرار خطاب‌ها

بهار با توجه به موضوعات شعر دماوند و سپیدرود در هر دو قصیده ۴۷ بار (۶۴٪ نسبت به تعداد بیت‌ها) با استفاده از حروف ندا یا بدون استفاده از آنها، خطاب به کار برده است. گاهی در قالب افعال تأکیدی از قبیل: بنگر یکی، بگذر یکی، بزدای، پیشه کن، بگرای، بخروش، تویی تو، ای کوه، ای مشت زمین و ... پرتو نیز با توجه به موضوع در هر دو قصیدهٔ دیار آشنا و پراو ۶۸ بار (۱۰۷٪ نسبت به تعداد ابیات) از خطاب در قالب‌های گوناگون استفاده کرده است از قبیل: تو بگو، برگیر مرا، ای زادهٔ خاک، ای آینهٔ جمال جان‌بند، ای بر شده کوه، ای برگرفته دل، بشنو، تو دیر زی و ... البته نکته جالب توجه در بحث تکرار خطاب‌ها این است که به همان میزان که خطاب در شعر بهار کمتر است، افعال تأکیدی و سخن مؤکد بیشتر است و بالعکس در شعر پرتو کلام مؤکد کمتر و خطاب و صمیمیت بیشتر است و این نشان می‌دهد سخن بهار مؤکد، درخور مضامین حماسی، شکوائیه و کلام تحکّم‌آمیز و نمونه خوبی از رجعت به سبک خراسانی است و پرتو نیز توانسته است با ایجاد فضایی صمیمانه و دور از تحکّم در قصایدش مضامین را راحت‌تر بیان و پیامش را آسان‌تر به مخاطب منتقل کند و با این شیوه به سبک عراقی نزدیک‌تر شود.

با بررسی چهار قصیدهٔ مذکور از دریچهٔ ساخت‌گرا یعنی کنکاش در این خصوص که آیا در بررسی آوایی، پیام متن در با موسیقی و معنی شعر، مناسبت دارد یا نه (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۲۹)، باید گفت هر دو شاعر در ایجاد کلام آهنگین چه موسیقی درونی و چه موسیقی بیرونی و کناری متناسب با مضمون، موفق عمل کرده‌اند و هرچند در موسیقی درونی یا بدیع لفظی پرتو همپای بهار کلامش را با سجع، جناس و واج‌آرایی آراسته است اما ریتم کلام بهار حماسی‌تر از کلام پرتو است و به همین لحاظ خراسانی‌تر می‌نماید.

#### ۱-۲. لغوی

منظور از سطح لغوی مباحثی همچون درصد استفاده از لغات عربی و فارسی و بیگانه، واژگان قدیمی یا کلمات مهجور پارسی، کهن‌گرایی، ترکیب‌سازی و ... است.

#### ۱-۲-۱. ترکیب‌سازی

منظور از ترکیب‌سازی کلماتی مرکب است که کوتاه‌شدهٔ یک جمله‌اند با این توضیح که اگر در مواردی ترکیبی ساختهٔ شاعر هم نباشد دست کم پیش از او هم ترکیب مشهوری نبوده و به وسیلهٔ شاعر معروف شده باشد.

در ۷۳ بیت بهار ۷ مورد (۹/۵۸٪) و در ۶۳ بیت پرتو نیز ۶ مورد (۹/۵۲٪) ترکیب‌سازی صورت گرفته است.

بهار: چرب‌دست / آزادبن / خاره‌سنگ / سیاه‌بخت فرزند / سپید معجر / کبوداورند.

پرتو: جانبد / رازیونند / دیباچه‌نگار / گل‌قند / دیرسال / پلیدرود.

از ۲۰ درصد، از ترکیبات اضافی را به اضافه‌های تشبیهی و استعاری اختصاص داده‌اند.

#### ۲-۲-۴. ترکیبات اضافی

در شعر بهار مجموعاً ۹۰ ترکیب اضافی (۱۲۳٪ نسبت به تعداد بیت‌ها) اعم از اضافه‌های تخصیصی، توضیحی، تشبیهی، استعاری و دیگر اضافه‌ها به کار رفته است. از این تعداد (۴/۴۵٪) اضافه تشبیهی هستند: آتش آه / بنای ظلم / زنگ غم / شرر عدم و ... (۱۵/۵۵٪) نیز اضافه استعاری: جور گردون / قلب‌زمین / دل زمانه / اساس تزویر / صیحه دریا... عمده ترکیبات اضافی بهار تخصیصی و توضیحی است (بیش از ۵۰٪) و باقی اضافه‌ها را ملکی، جنسی و ... تشکیل می‌دهند. در شعر پرتو ۱۰۹ مورد (۱۷۳٪ نسبت به تعداد ابیات) ترکیبات اضافی به کار رفته است. از این تعداد (۱۰/۰۹٪) تشبیهی هستند: لوح صبح / معبد مهتاب / دفتر تاریخ / کارگاه ایام / حجله برف / ساقی زمانه و ... (۵/۵۰٪) نیز استعاری: پای‌جان / دهان طاق (طاقبستان) / بام سپهر / دیده دل / سینه راز و ... بیشترین آمار از ترکیبات اضافی در شعر پرتو مربوط به اضافه‌های تخصیصی و ملکی و توضیحی است. حدود (۸۵٪) در ترکیب‌سازی پرتو از نظر کمیت، همسان با بهار عمل کرده است و در ترکیبات اضافی از بهار پیشی گرفته است، با این وجود سهم هر دو شاعر از اضافه‌های تشبیهی و استعاری در ترکیبات اضافی نسبتاً کم و همسان است به عبارتی هر دو کمتر

#### ۳-۲-۱. ترکیبات وصفی

در شعر بهار ۴۳ مورد (۵۹٪) صفات مرکب اعم از ترکیب‌های وصفی مقلوب و موصوف‌هایی که در بین دو صفت قرار گرفته‌اند، آمده است، از قبیل: جسته از بند / پای دربند / سیاه بخت فرزند / شرزه شیر ارغند و ... در قصیده‌های پرتو ۳۷ مورد حدود (۵۹٪) ترکیبات وصفی استفاده شده است. صفاتی از قبیل: برشده / راز پیوند / ملول / مانده دربند / آزادوار / مهمان‌نواز و ... میزان استفاده از ترکیبات وصفی و موصوف و صفت در شعر هر دو یکسان است. با توجه به توصیفی بودن فضای هر چهار قصیده مورد بحث درصد مساوی استفاده از ترکیبات وصفی و کلام توصیفی طبیعی می‌نماید.

در «دماوندیه» واژگانی چون دیو سپید، پای دربند و ... و در «پراو» نیز واژگان ایزدان، اوستا، زند، پازند و ... تمایل به استفاده از ترکیبات اصیل ایرانی و نیز وجود پس‌زمینه قوی و مسلط به اسطوره‌های ایرانی را در ذهن هر دو شاعر نشان می‌دهد.

#### ۴-۲-۱. واژگان عربی

بهار در ۷۳ بیت، ۸۵ واژه عربی و پرتو در ۶۳ بیت، ۷۹ واژه عربی به کار برده است. هر دو با کمی اختلاف اندکی بیش از ۱ واژه در هر بیت از کلمات عربی بهره برده‌اند. استفاده از واژگان

عربی در شعر پرتو کمی بیش از شعر بهار است، حدود ۱۰ درصد و به همین میزان هم اختلاف سبک دوره را نشان می‌دهد. بسامد پایین واژگان عربی را باید نقطهٔ قوتی در زبان آنان دانست.

#### ۱-۲-۵. تکرار واژگان قافیه

در هر دو قصیدهٔ بهار ۵ مورد (۶/۸۴٪ قافیه‌ها) تکرار شده است. مانند: دماوند/ چند/ پیوند/ توان سرود / کبود. در شعر پرتو نیز در ۶۳ بیت ۲ مورد (۳/۱۷٪) قافیه تکرار شده است مانند: بود/ ربود. تکرار قافیه در شعر بهار ۲/۵ برابر شعر پرتو است. «اگرچه در سنت رایج استادان سبک خراسانی و عراقی، تکرار قافیه را عیب می‌شمردند و اگر شاعری ناچار می‌شد در یک قصیدهٔ بلند به فاصلهٔ چندین بیت، قافیه را تکرار کند به عذرخواهی می‌پرداخت»، (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۷۱-۷۲) اما تکرار قافیه در شعر بهار را نمی‌توان عیب شمرد؛ چرا که از ۵ مورد تکرار قافیه ۳ مورد را برای تأکید به کار برده و به زیبایی کلام افزوده است.

#### ۱-۲-۶. مختصات لغوی سبک خراسانی

بخش عمده‌ای از مختصات سبکی موجود در یک متن، مختصات لغوی است. با توجه به نمایان بودن معیارهای زبانی دوره‌های خراسانی و عراقی در شعر هر دو شاعر، صرفاً آمار مختصات سبک خراسانی در شعر آنان شامل: استعمال واژه‌های کهن، واژگان مهجور، افعال مرکب، پیشوندی، «ب» در ابتدای فعل ماضی، یای استمراری در آخر فعل ماضی<sup>۱۵</sup>، تقدّم فعل

بر فاعل و متمّم و ...، افعال مضارع بدون «ب» و «می»، وجه مصدری مرخّم، جابه‌جایی ضمیر، قید نفی جدا از فعل، فعل متعلّی به شیوهٔ قدیم، استفاده از حرف تعریف<sup>۱۶</sup>، صرفه‌جویی در «را» و ... ارائه گردیده است. بسامد بالای این مختصات در شعر هر شاعر، نشانهٔ پیروی بیشتر و بسامد پایین‌تر نشانهٔ پیروی کمتر از سبک خراسانی می‌باشد با این توضیح که اولاً برای دوری از اطناب، از ذکر بسامد تک‌تک مختصات یادشده خودداری شد و ثانیاً اگر یک مختصه چندین بار در کل شعر تکرار شده به دلیل تنوع شکل استفاده از آن، تمام موارد لحاظ شده آمده‌اند، مثلاً اگر در شعری ۱۰ مورد فعل پیشوندی استفاده شده است، به دلیل گوناگونی این افعال هر ۱۰ مورد آن به آمار اضافه شده است. شایان ذکر است چون صرفاً وجوه مشترک زبان هر دو شاعر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است، لذا به مختصات سبک شخصی (که در شعر یکی هست و در دیگری نیست) پرداخته نشده است. نتیجه اینکه در مجموع دو قصیدهٔ بهار ۱۴۸ مورد (۲۰۲٪ بیت‌ها) یعنی بیش از ۲ مختصه در هر بیت و قصاید پرتو ۷۴ مورد (۱۱۷٪ بیت‌ها)، حدود ۱ مختصه در هر بیت مختصات لغوی سبک خراسانی نمود پیدا کرده است. به عبارتی از این منظر شعر بهار تقریباً دو برابر شعر پرتو مطابق با سبک خراسانی است. چند نمونه از کاربرد این مختصات:

واژگان کهن<sup>۱۷</sup> (آرکائیسیم) در شعر بهار: معجر/ شرزه/ گرزه/ میغ/ اورند/ اندر/ ره (بار، دفعه)/ ارغند...



نزدیک به دو برابر نسبت به تعداد بیت‌ها، تداعی‌گر سادگی‌های سخن سبک عراقی نسبت به سبک خراسانی است. به عبارت دیگر زبان پرتو امروزی‌تر و از نظر ارکان جمله به اصطلاح مستقیم و روان‌تر است.

پرتو: نامه (کتاب)/ بشکوه/ آوند/ خاوران.  
استعمال «همی» در شعر بهار: همی خروشد، سخن همی گوی، خواند همی سرود و... که نمونه‌ای در شعر پرتو وجود ندارد.  
استعمال افعال پیشوندی، بهار: برخروشیدن، برکشیدن، برگذاشتن (عبور دادن) و ... در شعر پرتو به ندرت دیده می‌شود.

جدول ۱. جدول آمار نتایج سطح زبانی

بهار	پرتو	نوع	زبانی
۱۵	۱۱	سجع	آوایی
۶	۶	جناس	
۷۷	۷۲	واج آرایبی	
۱۴۷	۱۰۱	تکرار واژه	(بدیع لفظی)
۴۷	۶۸	تکرار خطاب	
۷	۶	ترکیب سازی	لغوی
۹۰	۱۰۹	ترکیب اضافی	
۴۳	۳۷	ترکیب وصفی	
۸۵	۷۹	واژگان عربی	
۵	۲	تکرار قافیه	
۱۴۸	۷۴	مختصات سبک خراسانی	نحوی
۱۴۹	۱۳۸	تعداد جملات	
۳۵	۵۲	جملات منطبق بامنطق نثر	

### ۳-۱. نحوی

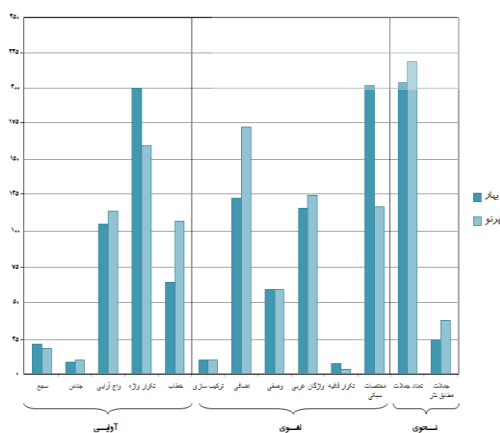
منظور از این مورد، توجه به کوتاهی یا بلندی جملات، میزان انطباق جمله‌ها در متون نظم با منطق نثر (رعایت نظم ارکان جمله)، نحوه استفاده افعال (ماضی، مضارع، پیشوندی، مرکب) یا افعال کهن با معانی و کاربردهای خاص و مطابقت آنها با سبک دوره‌های ادبی می‌باشد.

#### ۱-۳-۱. تعداد جملات

مجموع ۷۳ بیت قصاید بهار از ۱۴۹ جمله (۲۰۴٪) تشکیل شده است، معادل ۲ جمله در هر بیت و مجموع ۶۳ بیت قصاید پرتو از ۱۳۸ جمله (۲۱۹٪) تشکیل شده است، معادل بیش از ۲ جمله در هر بیت.

#### ۲-۳-۱. جملات مطابق با منطق نثر

۳۵ جمله (۲۳/۵۰٪) از ۱۴۹ جمله شعر بهار و ۵۲ جمله (۳۷/۵۰٪) از ۱۳۸ جمله شعر پرتو دارای منطق نثرند. آمار نشان می‌دهد زبان پرتو با کوتاهی، سادگی و بسامد بالاتر جملات و نیز بسامد بالاتر جملات منطبق با منطق نثر تقریباً



نمودار ۱. مقایسه درصدی آمار جدول زبانی

تمام درصدها نتایج را نسبت به تعداد ابیات نشان داده‌اند جز ستون جملات منطبق با منطق نثر که نتایج، نسبت به تعداد جملات است.

## ۲. سطح ادبی

این دیدگاه بسامد واژگان در معانی ثانوی (مجاز) و دیگر مسائل علم بیان چون (تشبیه، استعاره، کنایه و ...) و نیز مسائل بدیع معنوی از قبیل (تناسب، تضاد، تلمیح، استخدام و ...)، مختصات علم معانی و به طور کلی خلاقیت‌های ادبی زبان را مورد دقت و بررسی قرار می‌دهد.

### ۱-۲ بیان

#### ۱-۱-۲ تشبیه

در شعر بهار ۱۳ مورد انواع تشبیه از قبیل جمع، مرکب، بلیغ و ... وجود دارد، (۱۷/۸۰٪)، اما پرتو ۵ مورد (۷/۹۳٪) انواع تشبیه به کار برده است. در شعر بهار تشبیه کوه دماوند به دیو سپید پای در بند، قلب فسرده زمین، افسر میا سربازی با کلاه‌خود سیمین و کمر بند آهنی، مشت زمین، مشت درشت روزگار از پس قرن‌ها و ... در شعر پرتو تشبیه کوه پراو به آینهٔ جمال جان‌بند، زادهٔ خاک، ایزدان، تندیس جمال جاودانگی و ... این امر نشان می‌دهد که شعر بهار تخیلی‌تر است.

### ۲-۱-۲ استعاره

شعر بهار حاوی ۷۹ مورد استعاره (۱۰۸٪) نسبت به تعداد ابیات است و پرتو ۵۸ مورد (۹۲٪) استعاره استفاده کرده است و این بدان

معناست که شعر بهار تصویری‌تر از شعر پرتو است. آمار بالای این استعاره‌ها در شعر هر دو شاعر به استعاره بالکنایه (تشخیص) اختصاص دارد و استعارهٔ مصرّحه با انواع آن نیز دیده می‌شود. توضیح اینکه اضافه‌های تشبیهی و اضافه‌های استعاری چون به هر حال در آنها تشبیه یا استعاره صورت گرفته است به آمار تعداد تشبیهات و استعارات افزوده شده است.

استعارهٔ تشخیص از ملک‌الشعرا بهار: چهره نهفتن کوه، کلاه‌خود و کمر بند بستن کوه، پیوند کردن و پیمان بستن کوه و ...

استعاره تشخیص از پرتو: گل میخ در سرای تو خطاب به کوه پراو، سر به آسمان سودن از فخر توسط کوه، یک جرعه نثار خاکیان کن خطاب به کوه و ...

استعاره مصرّحه از بهار: فرش استعاره از سبزه‌زار، طفل و جگرگوشه دو استعاره از قطرات آب دریا.

استعاره مصرّحه از پرتو: خونابه استعاره از رنج، گل قند استعاره از راحت و آسایش، باده استعاره از آب چشمه و ...

### ۳-۱-۲ مجاز

در ۷۳ بیت قصاید بهار ۴۰ مورد (۵۴٪) مجاز با علاقه‌های متفاوت استفاده شده است و در قصاید پرتو ۴۶ مورد (۷۳٪) نسبت به تعداد بیت‌ها.

بهار: برق: درخشش آتش / اشعه: شراره- های آتشفشان / هرآ: صدای طغیان آتشفشان / آتش دل: مواد مذاب درون آتشفشان / کف دست: پاره‌ای زمین و ...

پرتو: خاک: زمین / خاک: سرزمین، دیار / خاکیان: آدم‌ها / ری: وطن غربت و ...

#### ۲-۱-۴. کنایه

شعر بهار در دو قصیده مورد بحث با ۱۴ مورد (۱۹٪) و شعر پرتو با ۲۲ مورد (۳۵٪) به کنایه آراسته شده‌اند. کنایات مورد استفاده در شعر هر دو شاعر دو دسته‌اند. دسته اول کنایاتی که پیش از شاعر ساخته شده و به عبارتی مستعمل‌اند و دسته دوم کنایاتی که شاعر به ابتکار خویش ساخته است. به نظر می‌رسد برخی از کنایات زیر از نوع دوم هستند.

بهار: شرر عدم پراکندن، کنایه از نیست و نبود کردن / اجل معلق بر جایی یا کسی افکندن، کنایه از به هلاکت رساندن / از هم گسستن کنایه از نبود کردن.

پرتو: دل بر گرفتن کنایه از میل و اشتیاق بریدن / به پای جان گذشتن کنایه از به اشتیاق رفتن / در دیده دل نشستن کنایه از پسندیده و خوشایند آمدن. با دقت و بررسی در آمار بخش بیان از سطح ادبی، مشخص می‌شود پرتو آرایه‌های تشبیه و استعاره را به سطح کار بهار نرسانده است. بهار ۲ برابر پرتو تشبیه و ۱/۵ برابر وی استعاره دارد و سخنش تخیلی‌تر و تصویری‌تر است. در مجاز و کنایه هم پرتو از بهار پیشی گرفته است، حدود ۲۰ درصد انواع مجاز و ۱۵ درصد انواع کنایه را بیش از بهار به کار برده است؛ یعنی به همین میزان سخن پرتو مجازی‌تر و کنایه‌تر است. اما هر دو شاعر را

می‌توان شاعرانی استعاره‌گرا نامید. لازم به توضیح است که تشبیهات پرتو، تداعی‌کننده تشبیهات شاعران سبک هندی است، تشبیهاتی دیرپاب و قابل تأمل، توأم با مضمون‌پردازی و خیال‌انگیزی «صائبانه» و عاری از پیچیدگی‌های تکلف‌آمیز که لذت درک معنا را با خود همراه دارد.

صورخیال: اگر صورخیال را به شاخص‌های اصلی و چهارگانه بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) محدود کنیم جمع آمار این عناصر در ۷۳ بیت بهار ۱۴۶ مورد (۲۰٪) و در ۶۳ بیت پرتو ۱۳۰ مورد (۲۰۶٪) نسبت به تعداد بیت‌هاست؛ یعنی پرتو همسان و همپای بهار در این بخش حرکت کرده و شعراش به اندازه شعر بهار از آرایه‌ها و عناصر مربوط به صور خیال بهره‌مند است.

#### ۲-۲. بدیع معنوی

##### ۲-۲-۱. تناسب (مراعات نظیر)

۵۱ مورد معادل (۷۰٪) نسبت به تعداد ابیات، در شعر بهار از تناسب استفاده شده است و در شعر پرتو ۴۴ مورد (۷۰٪) ابیات از این آرایه بهره‌مند هستند.

بهار (مراعات‌النظیر): واژه‌های نار، سعیر، گاز، گوگرد، دود، حمیم، صخره و گند در یک بیت / دریا، مرز، هوا، جنگل، کوه و افق در یک بیت و ...

پرتو (مراعات‌النظیر): واژه‌های میوه، گلابی، سیب، تود (توت) در یک بیت / دیم‌زار، کشته، پشته، آبیاری، دهقان، سعی، درو در یک بیت.

۲-۲-۲. تضاد (طباق)

در ابیات هر دو قصیدهٔ بهار ۳۱ مورد (۴۲٪) و در شعر پرتو ۳۵ مورد (۵۵٪) آرایهٔ تضاد به کار رفته است. هر چند به نظر اساتید فن، در بدیع معنوی صرفاً تضاد هنری درخور توجه و دارای ارزش ادبی است، اما در این پژوهش تمام تضادها اعم از تضاد در لفظ، مفهوم و تضادهای هنری منظور گردیده است.

بهار: سیاه، سفید / آزاد، بندی / خاموشی، سخن گفتن / حق، باطل / سود، زیان.  
پرتو: فراز، فرود / خار، گل / مهد، مدفن / باسخت، حسود و ...

نمونه‌ای زیبا از تضاد در شعر پرتو:

گر سروری به سرکشی و سرافرازی است  
این کوه را سزد که فرازی است بی فرود  
(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۶)

فراز و فرود علاوه بر تضاد در معنی واژه اشاره است به داستان فرود یسر سیاوش و قلعهٔ فراز کوه در همان داستان و این زیبایی تضاد را بیشتر کرده است.

۳-۲-۲. ایهام

بهار ۲۷ مورد (۳۷٪) و پرتو ۳۳ مورد (۵۲٪) در قصاید مورد بررسی از ایهام استفاده کرده‌اند. بهار: رود (رودخانه - نوعی ساز قدیمی) / آب (تیزی شمشیر - آبرو و عزت و احترام) / اجل معلق<sup>۱۸</sup> (اجل تعلیقی - گدازه‌های آتش‌فشانی) و ... از پرتو: جان بند<sup>۱۹</sup> (جان گیرنده - جان دهنده) / نقش: (تصویر - تأثیر) / ماه (ماه آسمان - زیبا)

و ... علاوه بر ایهام در واژه، بیت‌ها یا مصراع‌هایی که از ایهام دوگانه‌خوانی برخوردار بوده‌اند نیز به بسامد ایهام افزوده شده‌اند.

۴-۲-۲. تلمیح

تلمیحات به کار رفته در شعر بهار ۷ مورد معادل حدود (۱۰٪) و در شعر پرتو ۱۳ مورد حدود (۲۱٪) نسبت به تمام بیت‌هاست.

بهار: اشاره به قوم عاد / واقعهٔ فرود مواد آتشفشان کوه ولکان بر سر شارسان پمپی / اشاره به احداث جادهٔ چالوس و پشتخوارگر.

پرتو: اشاره به آیین و کتاب زردشت / تلمیح به داستان خسرو پرویز / اشاره به باور عامیانه در مورد وجود جام جم و گنج پادشاهی او در سراب نیلوفر<sup>۲۰</sup> / تلمیح به داستان فرهاد و تیشه و بیستون.

در بخش بدیع معنوی، هر دو شاعر در آرایهٔ تناسب همسان هستند، اما پرتو از آرایهٔ تضاد، ۱۰ درصد، از صنعت ایهام، ۱۵ درصد و از آرایهٔ تلمیح نیز ۲ برابر بیش از بهار، بهره برده است. هر چند پرتو، قالب، وزن، قافیه و تم را از بهار تقلید کرده، اما در آفریدن مضمون تازه، نشان دادن توانش‌های زبانی و استفاده از زبان تأثیرگذار و هنری پا به پای بهار حرکت کرده و حتی در برخی وجوه از وی پیشی گرفته است. در نهایت با توجه به بسامد بالای آرایه‌های بدیع معنوی در سبک عراقی نسبت به سبک خراسانی، می‌توان در این شاخصه نیز نزدیک بودن بیشتر پرتو به سبک عراقی را مشاهده کرد.

جدول ۲. آمار نتایج سطح ادبی (بیان و بدیع معنوی)

ادبی	نوع	پرتو	بهار
بیان	تشبیه	۵	۱۳
	استعاره	۵۸	۷۹
	مجاز	۴۶	۴۰
	کنایه	۲۲	۱۴
بدیع معنوی	تناسب	۴۴	۵۱
	تضاد	۳۵	۳۱
	ایهام	۳۳	۲۷
	تلمیح	۱۳	۷

مضامین در قصاید بهار: بهار در یادداشت‌های خود راجع به قصیدهٔ دماوندیه می‌نویسد: «در سال ۱۳۰۱ شمسی گفته شد. در این سال به تحریک بیگانگان هرج و مرج قلمی و اجتماعی و هتاک‌ها در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت مرکزی بروز کرده بود». (بهار، ۱۳۸۷: ۲۸۶)

مضامین قصیدهٔ دماوندیه، سیاسی- اجتماعی، فرهنگی، آزادیخواهانه و وطن‌پرستانه است و ارادهٔ مبارزه با ظلم، خفقان، تزویر، بی‌مسئولیتی، ستم-

کشی و... در تمام قصیده جریان دارد:

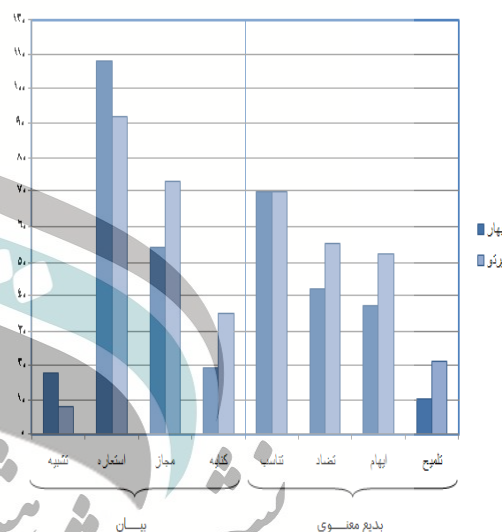
بفکن ز بی این اساس و تزویر  
بگسل ز هم این نژاد و پیوند  
برکن ز بن این بنا که باید  
از ریشه بنای ظلم برکنند  
زین بیخردان سفله بستان  
داد دل مردم خردم‌مند

(بهار، ۱۳۸۷: ۲۸۸)

در قصیدهٔ «سپیدرود» که در فصل بهار سال ۱۳۱۵ خورشیدی در سفری کوتاه به عزم گردش در مازندران و گیلان سروده شده، تمام مضامین، توصیف خطه شمال است در قالب خلق تصاویری بسیار زیبا و در پایان نیز با حسن مخلصی استادانه به مدح می‌گراید<sup>۲۱</sup> و پس از مدح پادشاه در مقطع قصیده، خواستهٔ خود را نیز بیان می‌کند:

تا هست حق و باطل و سود و زیان، رساد  
از حق بدو عنایت و از او به خلق سود  
بخشد بهار را کف دستی ز رامسر  
کانجا توان به هر نفسی دفتری سرود

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۸۷)



نمودار ۲. مقایسه درصدی آمار جدول ادبی

تمام درصدها، آمار به دست آمده را نسبت

به تعداد ابیات نشان می‌دهد.

### ۳. سطح فکری

عبارت است از شناخت ایده‌ها، نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، احساسات و نیز تشخیص گرایش-های حماسی، فلسفی، ملی، مذهبی، عرفانی، عشقی و... در اثر یا صاحب اثر. منظور سبک-شناسی ساخت‌گرا نیز ارتباط مناسب و سازنده هر سه سطح فوق با هم در یک متن ادبی است.



مضامین در قصاید پرتو عبارت‌اند از: عشق به وطن، دوستان همدل، زادگاه و فضایل مردم آن، مفاخره:

ما و صفای چشمه روضان چه غم که نیست  
شیراز و آب رکنی و آن باد مشک سود  
(پرتو، ۱۳۸۷: ۱۶۵)

تفصیل برای تاریخ و پیشینه، نیاکان و نژاد، نقش برجسته‌ها، کتیبه‌ها، عناصر و زیبایی‌های طبیعی، مضامین اجتماعی، توصیف، ذکر عظمت خداوند و یاد ایام جوانی. پرتو همچنین در قصیدهٔ پراو در دو بیت آزرده خاطری خود را از نامالیقات روزگار و اهل آن بیان می‌کند:

ای داد که ساقی زمانه  
خونابه دهد به جای گل‌قند  
آزرده ازین دیارم اما  
دل از تو چگونه می‌توان کند  
(پرتو، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

و در پایان با ایهامی زیبا در واژهٔ «بهار»، ملک‌الشعرای بهار را نیز مدح می‌گوید:

پرتو ز پراو، سحر، نسیمی  
گفتی که رسید از دماوند  
آورد پیامی از «بهارم»

آن بر همه خاوران خداوند  
(پرتو، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

اما محور و مضمون اصلی، ایجاد حسّ نوستالژیک در فرزندش «هرمز» و دیگر فرزندان دور از این مرز و بوم است نسبت به زیبایی‌ها و فریبایی‌های سرزمین مادری برای بازگرداندن آنان و بی‌جلوه و بی‌نمود نشان دادن سرزمین‌های دیگر (روم و ری<sup>۲۲</sup>) در برابر آن:

ای برگرفته دل ز دیاران آشنا

بگذر ز روم و ری که نمودی است بی‌نمود  
(پرتو، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

### بحث و نتیجه‌گیری

در زیر سطح آوایی و موسیقی بیرونی و کناری در قصیدهٔ هر دو شاعر، محتوا و مضامین با موسیقی کلام و وزن و قافیه‌های استفاده شده همخوانی و انسجام کامل دارد و ریتم و آوای قافیه‌ها و واژگان و ترتیب آنها در کلیت شعر با فضای قصیده متناسب است و همین موجب صلابت و فخامت زیان هر دو شاعر و نیز انسجام در بافت عمودی کلام در تمام قصیده شده است. در موسیقی درونی نیز در شعر بهار استفاده از سجع‌ها با توجه به وزن قصیده‌ها و فضای تحکّم‌آمیزی که در آنها ایجاد کرده سخته‌تر و حماسی‌تر از سجع‌های مورد استفاده پرتو است. پرتو کمی بیشتر با صنعت واج-آرایی بر موسیقی درونی کلام افزوده، اما بهار از صامت‌های انسدادی بیشتر بهره برده است و این بدان معناست که با سبک حماسی و خراسانی بیشتر همخوانی دارد. در تکرار واژه و تکرار خطاب، بهار بیشتر از تکرار واژه اما با تأکید (مناسب حماسی) که زیبایی خاصی به جنبهٔ معنایی و مضمون شکواییه توأم با پرخاش به ظلم و جور و ... بخشیده، استفاده کرده است، ولی در شعر پرتو کلام مؤکّد کمتر و خطاب بیشتر است در نتیجه سخن بهار، درخور مضامین حماسی، شکواییه و کلام تحکّم‌آمیز و نمونهٔ خوبی از رجعت به سبک خراسانی است اما پرتو توانسته با ایجاد فضایی صمیمانه و دور از تحکّم، مضامین را راحت‌تر بیان کند و پیامش را آسان‌تر به مخاطب

برساند چیزی که در سبک عراقی نمود بیشتری از سادگی و صمیمیت دارد. از نظر لغوی نیز با توجه به توصیفی بودن فضای هر چهار قصیده، هر دو شاعر در به‌کارگیری ترکیبات وصفی برابراوند. در استفاده از ترکیبات اصیل ایرانی، وجود پس‌زمینه قوی و مسلط به اسطوره‌های ایرانی در ذهن هر دو شاعر نمایان است.<sup>۱۵</sup> در استفاده از این ترکیبات پرتو توفیقی نزدیک به بهار نشان داده است استفاده پرتو از واژگان عربی بیشتر و گرایش او به مختصات لغوی سبک خراسانی کمتر از بهار است اما در کل بسامد پایین واژگان عربی در شعرشان نقطه قوت زبان آنان است. در به‌کارگیری مختصات لغوی سبک خراسانی است و در زمینه مسائل نحوی نیز در مقایسه تعداد جملات نسبت به تعداد بیت‌ها، جملات پرتو منطبق با منطق نثر و به اصطلاح روان‌تر و مستقیم‌تر و به همان میزان امروزی‌تر و از سبک خراسانی دورتر است. از نظر سطح ادبی نیز کلام بهار به دلیل استفاده بیشتر از تشبیه و استعاره، کنایه و مجاز تخیلی‌تر و تصویری‌تر است. تشبیهات پرتو، تشبیهات شاعران سبک هندی را تداعی می‌کند و دوری او را از سبک خراسانی بیشتر نشان می‌دهد. با توجه به آمار بالای استعاره‌ها در شعر هر دو شاعر به ویژه استعاره بالکنایه (تشخیص) می‌توان هر دو شاعر را شاعرانی استعاره‌گرا نامید. با توجه به بسامد بالای آرایه‌های ادبی موجود در بحث بدیع معنوی در سبک عراقی نسبت به سبک خراسانی، می‌توان در این شاخصه نیز نزدیک بودن بیشتر پرتو به سبک عراقی را مشاهده کرد.

با مشاهده نتایج سطح زبانی و ادبی مشخص گردید پرتو پیرو سبک عراقی و شعر بهار به شکل پررنگی مطابق سبک خراسانی است. بررسی سطح فکری حاکی از آن است که به طور اعم در همه اشعار بهار سطح فکری وی بر مضامین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توأم با انتقاد و شکواییه و مبارزه در راه وطن‌پرستی استوار است و پرتو نیز به مضامین اجتماعی، عشق به دیار و مردم آن، توصیف عناصر و جلوه‌های طبیعت، همراهی و همدردی با دوستان یکدل و گاهی نیز شکوه از نامالایمات روزگار و انتقاد از ظلم و ریا و نفاق و بیداد زمانه توجه کرده است. در نهایت در مورد میزان موفقیت اقتفای پرتو از بهار می‌توان چنین نتیجه گرفت که پرتو کرمانشاهی توانسته است تا حد قابل قبولی از عهده استقبال از قصاید دماوندیه و سپیدرود بهار برآید و حتی در مواردی توفیقی بیش از استاد متقدم خویش حاصل کند.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. اقتفا: اقتفا در لغت به معنی پیروی کردن از کسی یا چیزی است و در اصطلاح ادبی مطابق وزن و قافیه شعر کسی دیگر، شعر سرودن. (انوری، ۱۳۸۸: ۱۸۱)
۲. نظیره‌گویی: تقلید، یا تتبع آن است که شاعر یا نویسنده‌ای، به پیروی از شاعر یا نویسنده دیگر به خلق و نگارش اثری اقدام کند. نظیره‌گویی در انواع و قالب‌های ادبی رایج است و البته حد و مرز آن تاکنون به روشنی تبیین نشده است. (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۶۸)
۳. دکتر سیدمهدی زرقانی در کتاب چشم‌انداز شعر معاصر ایران می‌گوید: هر چند شعر بهار در دوره

با تمام مظاهر طبیعت انسی فطری دارم؛ آتشی افروخته است. اشعاری هم که در آنها یاد از وطنش یعنی مولدش و شهرش کرده، محشر است. مگر می‌توان شعر فرار و سفر او را خواند و نلرزد. (پرتو، ۱۳۸۹: ۱۹) مظاهر مصفا: «مظلومه‌های استوار و پولادین با آن عاطفه و احساس دردآلود، غزل‌هایی با رنگ قصیده و آهنگ سبک قصیده‌سرای سستی ... قصیده‌ها همه به استواری و پایداری قصیده‌های سخن‌سرایان صاحب‌سبک و نمودار پختگی کلام با زیبایی و انسجام ... ترانه‌های گرم و شیرین، گاه حسب حال و خاطره‌آمیز و گاه عاشقانه و عارفانه... و رباعی‌هایی که در منتهای دلپذیری و پختگی و استادی پایان یافته است». (پرتو، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۲) عبدالحسین نوایی: «با عرض هزاران تشکر و تقدیر و تمجید به محضر استاد پرتو کرمانشاهی اگر جسارت نباشد نکته‌ای بیان کنم و آن اینکه مجموعه کوچه باغی‌ها با محتوای کتاب سازگار نیست زیرا کوچه‌باغی‌ها عنوانی است برای اشعار عوامانه و فولکلور؛ یعنی اشعاری که مردم کوچه‌باغ‌ها گفته‌اند که هر چند پر از احساس است اما از فخامت کلمه و سلامت بیان و جزالت وزن عاری است در حالی که اشعار مجموعه، سخت استادانه است با رعایت موازین شعری و چنین اشعار محکم و زیبا و دل‌انگیز همراه با نازکی خیال و تشبیهات «صائبانه» کوچه‌باغی‌ها نیست که ادیبانه است و عالمانه». (پرتو، ۱۳۸۹: ۳۵)

۶. در مقابل غزل سعدی با این مطلع:

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

(سعدی، ۱۳۷۰: ۳۶۴)

غزلی با این مطلع در مجموعه «کوچه باغی‌ها» آمده:

روزی که با تو بودم در زیر چتر باران

اول زندگی‌ش بسیار رنگ کلاسیک داشت و در دوره مبارزات اجتماعی گاه به شعارهایی در خدمت مبارزه تبدیل می‌گردید در عوض اشعار این دوره سخته‌ترین و استوارترین بخش اشعارش به شمار می‌آید و او را به حق «واپسین تجلی یکی از ارجمندترین صورت‌های شعر فارسی» - یعنی قصیده دانسته‌اند. (زرقانی، ۱۳۸۴: ۲۴۹)

۴. بهار قصیده «جغد جنگ» را با مطلع:

فغان ز جغد جنگ و مرغوی او

که تا ابد بریده باد نای او

(بهار، ۱۳۸۷: ۶۰۰)

به تقلید از قصیده منوچهری با این مطلع سروده است:

فغان از این غراب بین و وای او

که در نوا فکندمان نوای او

(امامی افشار، ۱۳۶۸: ۱۲۸)

۵. پرتو کرمانشاهی متولد (۱۳۱۰ ه. ش) شاعر گُرد زبان کرمانشاهی است که در حال حاضر دهه نهم از عمر گرانمایه‌اش را سپری می‌کند. مجموعه «کوچه باغی‌ها» از وی به چاپ سوم هم رسیده است در این مجموعه ۱۱۲ غزل وجود دارد، غزلیاتی بسیار نغز و شیرین که دل هر صاحب ذوقی را می‌ریاید. شش قصیده از وی در مجموعه مذکور چاپ شده از جمله: قصاید «پراو» و «دیار آشنا». کوچه باغی‌ها علاوه بر ۶۳ رباعی و ۴۵ ترانه حاوی اشعار گُردی اوست که به گفته محمدعلی سلطانی: «اگر شامگاه در طاق‌بستان سروده می‌شود صبحگاهان در کوچه باغی‌های سراب طنین دارد و غروب در دامنه آیدر و آربابا بر بال اندیشه پویا، زمزمه سوت‌دلان خواهد بود. (پرتو، ۱۳۸۹: ۴۱) گزیده‌ای مختصر از دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد پرتو و شعر وی:

ایرج افشار: «... اشعاری که با ردیف کلمات مربوط به طبیعت دارد (شاید زیباتر از همه کوه) در من که

- گفتی خوش است بودن گفتم کنار یاران  
(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۳۹)
۷. در مقابل غزل حافظ با این مطلع:  
دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را  
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا  
(حافظ، ۱۳۶۹: ۳)
- پرتو غزلی با این مطلع دارد:  
تا جلوه کرد بر سر موی سپید ما را  
آینه هر چه کوشید دیگر ندید ما را  
(پرتو، ۱۳۸۹: ۸۸)
۸. در مقابل غزل مولانا با مطلع:  
آمد بهار خرم آمد نگار ما  
چون صد هزار تنگ شکر در کنار ما  
(مولانا، ۱۳۸۳: ۷۵)
- غزلی با این مطلع در مجموعه شعرش دارد:  
ترسم گر به کوی تو افتد گذار ما  
دلگیر گردد آینه‌ات از غبار ما  
(پرتو، ۱۳۸۹: ۵۵)
۹. قصیده‌سرایی ملک‌الشعراي بهار نقطه عطفی در تاریخ ادبیات فارسی است و اهل ادب به جایگاه و پایگاه وی واقف‌اند، اما پرتو کرمانشاهی شاید از زمره شاعرانی باشد که در عرصه زبان فارسی توانسته‌اند با یک یا چند قصیده (مانند سعید طایی) نام خود را در تاریخ ادبیات این مرز و بوم ثبت کنند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲) تشخیص این موضوع را به قصیده-شناسان و استادان این فن وامی‌گذاریم.
۱۰. پراو (paræw) به معنای لب آب یا کنار رودخانه، نام کوهی است در کنار رودخانه (قره‌سو) که شهر کرمانشاه در پای آن بنا شده است و پرتو آن را با این ابیات مورد خطاب قرار می‌دهد:  
ای بر شده کوه راز پیوند  
ای آینه جمال جان‌بند
- ای زاده خاک و مانده آزاد  
و ای بوده چو ایزدان ظفرمند  
تندیس جمال جاودانی  
در کارگه زمان پس افکند  
نام تو به نامه اوستا  
دیاچه نگار زند و پازند  
نقش تو به کارگاه ایام  
بشکوه و بدیع و بی‌همانند  
(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۸)
۱۱. از قصیده دیار آشنا:  
ای مهد خاطرات من ای خاک مشک سود  
ای در تو هر چه باید و ای با تو آنچه بود  
آزادوار مردم مهمان نواز تو  
شهره به شادخواری و گسترده خوان جود  
در دیم‌زارهای تو از کشته، پشته‌ها  
بی سعی و آبیاری دهقان توان درود  
بر لوح صبح و شام افق‌های دلکشت  
بس نقش‌ها نگارد جادوگر وجود  
ما را ز لطف آینه‌ای در برابری  
خود را ستوده است هر آن کس تو را ستود  
(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۶۵)
۱۲. اگر بخواهیم از مجموعه استوارترین اشعار بهار چند نمونه برگزینیم، بدون تردید به سراغ «دماوندی» او می‌رویم که سخت بشکوه و ستودنی است.  
(زرقانی، ۱۳۸۴: ۲۴۹)
۱۳. «قصیده یکی از انواع مهم شعر است و بعضی آن را مهم‌ترین اقسام شمرده‌اند به این ملاحظه که عمده طبع‌آزمایی و پایه توانایی و نیروی سخندانی شاعر از نوع قصیده معلوم می‌شود که بتواند چهل - پنجاه بیت بر یک وزن و قافیت در یک موضوع با رعایت نکات بلاغت و جزالت کلام، استادانه از خود انشاء کند. (همای، ۱۳۳۹: ۱۷۱-۱۷۰)

۱۷. «دیو سپید» اشاره به داستان رستم و کشتن دیو سپید در البرز کوه و «پای در بند» نیز اشاره به داستان در بند شدن ضحاک به دست فریدون در دماوند کوه دارد، «زند، پازند و اوستا» نیز به آیین باستانی زرتشت برمی‌گردد.

۱۸. ایهام در واژه معلق در ترکیب «اجل معلق»، در معنای نزدیک آن سنگ‌ها و گدازه‌های آتشفشانی کوه «ولکان» است که معلق بر سر مردم شهر «پمپی» ریخته شد و معنای دور آن اشاره دارد به بحث محتوم یا تعلیقی بودن اجل. (قضا و قدر)

۱۹. جان‌بند: بند از بستن به دو معنا قابل توجه است: الف) بستن به معنای جمع‌کردن، برداشتن و به اصطلاح امروزی پروندهٔ جان را بستن؛ ب) بستن در معنای به هم پیوند دادن، خلق کردن. چنانچه از حافظ:

جان فدای دهندش بیاد که در باغ نظر

چمن‌آرای جهان خوشتر از این غنچه نیست  
(حافظ، ۱۳۶۹: ۲۴)

و از عطار نیشابوری:

بست موری را کمر، چون موی سر

کرد او را با سلیمان در کمر

(عطار، ۱۳۸۹: ۷۹)

۲۰. بنا به باور عوام در حوالی منطقهٔ سراب نیلوفر (۲۰ کیلومتر شمال غربی کرمانشاه) از عهد باستان تاکنون در اعماق این سراب، جام جهان‌نمای جمشید و گنج خسروانی وی وجود داشته و دارد.

۲۱. حسن تخلص (حسن خروج): آن بخش از قصیده را که از نسیب و تشبیب به مدح یا مقصود دیگر انتقال یافته و به اصطلاح معروف گریز زده باشد حسن تخلص یا حسن مخلص یا حسن خروج می‌نامند. (جلال الدین همایی، ۱۳۳۹: ۱۶۳-۱۶۲)

۱۴. پرتو در قصیده‌ای غم هجران و اشتیاق دیدار و حسرت بی‌بهرگی از وجود فرزند دور از وطنش (هرمز) را می‌سراید و اینک مطلع، مقطع و بیتی از آن:

ای نور دیده‌چونی آن غربت غمین را  
شش سال شد ندیدیم آن روی نازنین را  
در آن دیوار غربت آواز آشنایی  
آیا دهد نوازش آن خاطر حزین را  
دانی که راستان را دیدار راستین چیست؟  
روزی است نوردانش روشن کند زمین را

(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۷)

۱۵. ... از آثار قدیم خیلی علائم در این کتاب [کلیله و دمنه] به قرار ذیل است: الف: یا‌های استمراری، تمنّایی، انشایی و ... مانند: «... در میان ایشان پنج زاغ بود بفضیلت رأی ... مشهور و زاغان در کارها اعتماد بر اشارت ایشان کردند و در حوادث بجانب ایشان مراجعت نمودندی و ...». (بهار، ۱۳۶۹: ۲۶۲)

۱۶. در علم معانی، در بحث از موضوع مسندالیه، گاهی مسندالیه یا مسند را با صفت‌های اشاره «این و آن» می‌آورند، در این صورت مسندالیه یا مسند مبهم می‌شود، حال آنکه در ادبیات انتظار بر آن است که مسندالیه یا مسند همراه صفت اشاره را معرفی بپنداریم. از این رو «این و آن» گاهی قبل از اسامی معرفه می‌آیند و حکم حرف تعریف را دارند. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۸۰)

از بهار:

آن گلستان طرفه بدان فر و آن جمال

وان کاخ‌های تازه بدان زیب و آن نمود

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۰۶)

از پرتو:

وان ابر که بر تو حله می بست

آن باد که مشک می‌پراکند

(پرتو، ۱۳۸۹: ۱۶۹)



سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۰). *کلیات سعدی*. مقدمه عباس اقبال. براساس نسخه محمدعلی فروغی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات طلایه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *تازیان‌های سلوک*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات آگه.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). *بیان*. (ویراست چهارم). تهران: انتشارات آگه.

صدری، جمال (۱۳۶۸). *آهنگ‌شناسی و سنجش آن با عروض سنتی*. چاپ دوم. اصفهان: انتشارات فیروز.

عطار، فریدالدین (۱۳۸۹). *منطق‌الطیر عطار*. با مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سخن.

فضیلت، محمود (۱۳۸۴). *آرایه‌های ادبی*. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.

فولادی، علیرضا (۱۳۸۲). *مبانی عروض فارسی*. قم: انتشارات فراگفت.

معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۳). *کلیات شمس*. با مقدمه بدیع‌الزمان فروزانفر. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات بهزاد.

مؤمنی، فاطمه (۱۳۸۷). *اقتفای صائب از حافظ* (پایان‌نامه). خرم‌آباد: انتشارات دانشگاه لرستان.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۳۹). *صناعات ادبی*. تهران: انتشارات علمی.

۲۲. «ری» در این بیت معنایی غنایی دارد و نماد هر شهر و سرزمینی است که از سرزمین مادری دور باشد و برای ما معنای غربت دهد.

## منابع

ابرمز، ام. اچ. (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سزریان. تهران: انتشارات رهنما.

امامی افشار، احمدعلی (۱۳۶۸). *گزیده اشعار منوچهری دامغانی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات بنیاد.

انوری، حسن (۱۳۸۸). *فرهنگ فشرده سخن*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سخن.

بهار، محمدنقی (۱۳۶۹). *سبک‌شناسی*. جلد سوم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

پرتو، علی‌اشرف نوبتی (۱۳۸۹). *کوچه باغی‌ها*. با مقدمه و اهتمام محمدعلی سلطانی. چاپ سوم. تهران: انتشارات نگاه.

ثروت، منصور (۱۳۷۹). *فرهنگ کنایات*. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

حافظ، خواجه شمس‌الدین (۱۳۶۹). *دیوان حافظ*. براساس نسخه قدسی. تهران: انتشارات اسماعیلیان.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۵). «مقاله هفت پیکر نظامی و نظیره‌های آن». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. سال ۱۴. شماره ۵۲ و ۵۳.

زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۴). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*. چاپ دوم. تهران: نشر ثالث، با همکاری شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶). *آشنایی با نقد ادبی*. چاپ چهارم. تهران: سخن.